

تغییر استراتژی عملیاتی سپاه از جنوب به شمال غرب

(دلایل انتخاب منطقه عملیاتی کربلای ۱۰)

آرشیو مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

اشاره: طراحی و اجرای عملیات کربلای پنج در امتداد وضعیت سیاسی-نظامی حاصل از ناکامی در عملیات کربلای چهار هر چند با تثبیت موازنه نظامی به سود ایران زمینه‌های تصویب فصلنامه ۵۹۸ را برای خاتمه دادن به جنگ فراهم ساخت ولی استراتژی نظامی ایران را در منطقه عملیاتی جنوب با چالش و بن بست همراه ساخت. این ملاحظات مقدمه بررسی مجدد و طراحی استراتژی جدید ادامه جنگ بود. در این راستا در جلسه‌ای که با حضور تصمیم‌گیران سیاسی نظیر آقایان هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی و تعدادی از فرماندهان نظامی همچون محسن رضایی، ایزدی، قالیباف، قربانی و حاج محمدی برگزار شد طرح انتقال جنگ از جنوب به شمال و اجرای عملیات کربلای ۱۰ مورد بررسی قرار گرفت. سند حاضر ابعاد و ملاحظات سیاسی-نظامی حاکم بر جنگ و منطق بن بست در جنگ و ضرورت تغییر در استراتژی را می‌نمایاند.

را کامل ببندیم و به همین دلیل، تا حالا تلفات بسیاری را داده‌ایم؛ بنابراین، اگر عملیات در اینجا، انشاءالله هم زمان با بستن کامل مرز باشد، مسئله ضد انقلاب در همین جا حل می‌شود. برادران سپاه هر چه در توان داشتند از سقز و برخی از شهرها جمع‌آوری و کار را آغاز کرده‌اند. تا با این عملیات انشاءالله، یکی از معبرهای اصلی ضد انقلاب تهدید و بسته شود. از طرف دیگر، ما هر چه به این سمت که مقرهای ضد انقلاب است، نزدیک شویم، آنها در داخل عراق عقب می‌روند؛ بنابراین، نخستین ویژگی عملیات در منطقه شمال غرب آن است که روی ضد انقلاب تأثیر می‌گذاریم و با بستن معبرهای ترددشان به داخل ایران به آنها ضربه می‌زنیم. نکته دوم این است که محور ماووت نسبت به سلیمانیه، کرکوک و اربیل قلب منطقه است و ما از اینجا که وارد شویم، یک قدم به سمت شهرهای سلیمانیه، کرکوک و اربیل پیش می‌رویم. از طرف دیگر، به علت وجود کوه‌های بسیار وسیع در

رضایی: در کل، ضد انقلاب از دو محور اساسی به استانهای کردستان و آذربایجان غربی وارد می‌شود. یکی از محور سلیمانیه که به سلیمانیه، چوارتا، دره شیلر؛ و سلیمانیه، چوارتا، بانه و سلیمانیه، ماووت، سردشت تقسیم می‌شود. کلاً، این نقطه از نقاطی است که بمبهای انفجارهای تهران از آن تغذیه می‌شود. ورودیهای این محور بیشتر به سمت سقز به پایین می‌آید، یعنی این محور عمده‌تاً، استان کردستان و مقداری هم سردشت و بوکان را آلوده می‌کند، اما محور دوم که محور اصلی ضد انقلاب برای ورود به استان آذربایجان غربی است، از قسمت شمالی سردشت، یعنی کوه بلفت و دوپازا است و ضد انقلاب از آنجا وارد می‌شود و به دوله تو و به سمت مهاباد، پیرانشهر، نقده، میاندوآب و بوکان می‌آید و منطقه را آلوده می‌کند. سیاست پیشین ما این بود که همین طور که پاکسازی می‌کنیم؛ به مرز برسیم و آن را کامل ببندیم تارفت و آمد و ارتباطات کلی آنها قطع شود، اما پس از آمدن به مریوان، بانه و سردشت، نتوانستیم مرز

هم دوباره برای کانال زوجی باید بجنگند؛ بنابراین، می آیند و اینجای جنگند.

ایزدی: بعد هم عراقیها می گویند که توان ایرانیها محدود است... مثلاً، اینقدر گردان دارند. همین جا باید تماش کنند که دیگر نتوانیم جلوتر برویم.

هاشمی رفسنجانی: حالا، این یک طرف قضیه است؛ چرا که ممکن است بگویند که اگر توان خودمان را در اینجا از دست بدهیم، ایرانیها جلوتر می آیند و ما دیگر توان مقاومت نداریم.

صفاری: اگر دشمن بخواهد بصره را تأمین کند. باید در اینجا (شلمچه) با ما بجنگد؛ زیرا، نزدیک ترین منطقه به بصره اینجا است. بعد هر چه زمین کمتر بدهد، ... به ما سوژه تبلیغاتی کمتری داده است. به همین دلیل است که مقاومت می کند. [...].

ایزدی: که البته، موفق هم بوده است.

هاشمی: چطور؟

ایزدی: تلفات زیادی از ما گرفته و مانع پیشروی ما شده است. فقط دویست و پنجاه متر پیشروی کرده ایم.

رشید: دویست و پنجاه متر پیشروی کردیم؟

ایزدی: واقعاً موفق بوده و بهترین تحلیلش هم این است که می داند توان ما محدود است؛ زیرا، اگر محدود نبود، ما در ادامه کربلای ۵ کار می کردیم.

رضایی: ما اینجا (منطقه ماووت) اصلاً، برنامه ای نداشتیم. البته، از زمانی که احساس کردیم ممکن است در جنوب نتوانیم عملیات اجرا کنیم یا در مراحل نخست

اینجا، دشمن نتوانسته است این منطقه را آماده و جاده و استحکامات احداث کند؛ بنابراین، اگر وقفه های طولانی مثلاً یک ماهه یا دو ماهه بین عملیاتها صورت نگیرد، تا مدت زیادی می توانیم به حرکتمان ادامه دهیم و از موقعیت منطقه استفاده کنیم. بدین ترتیب، در این منطقه، شمال رودخانه شیلر و محور ماووت برای اجرای عملیات انتخاب شده است.

هاشمی رفسنجانی: آنجا (جبهه های جنوب) هم به نظر نمی رسد (عراق) بتواند کار زیادی انجام دهد.

ایزدی: حالا که این قدر نزدیک شده که می گفتند درگیری تن به تن است.

هاشمی رفسنجانی: اگر آنجا مثلاً (نیروهای) ما چند قدم عقب بیایند، دیگر (عراقی ها) نمی توانند کاری بکنند؟

روحانی: جای تعجب است که چرا دشمن این قدر روی این خط حساسیت نشان می دهد، یعنی بیش از توقع می جنگند.

ایزدی: دشمن این عملیات (کربلای ۵ و سپس ۸) را عملیات مداوم می داند، می خواهد به هر شکلی، جلوی آن را بگیرد. بعد هم این طوری حساب می کند، که باید جلوتر بجنگد، یعنی اینکه در خط بعدی با نیروهای اسلام مبارزه کند؛ بنابراین، می آید همین جا می جنگد، دیگر هر چه قدر تلفات بدهد همین جا می دهد، اما دیگر زمین ندارد.

هاشمی: آنها فکر می کنند اگر امروز برای خط حمزه^(۱) نجنگند، فردا باید برای خط توحید بجنگند، خط توحید



(۱) خط حمزه بر روی کالک ترسیم شده بود

محسن رضایی:

**نخستین ویژگی عملیات در منطقه شمال غرب آن است که
روی ضد انقلاب تأثیر می گذاریم و با بستن معبرهای
ترددشان به داخل ایران به آنها ضربه می زنیم. نکته دوم این
است که محور ماووت نسبت به سلیمانیه، کرکوک و اربیل قلب
منطقه است و ما از اینجا که وارد شویم، یک قدم به سمت
شهرهای سلیمانیه، کرکوک و اربیل پیش می رویم**

شیوه دشمن این نبوده که ما از جایی برویم و او از جای دیگری بیاید؛ زیرا، می داند اگر موفق نشود، مواضع بعدی را هم از دست می دهد که دیگر اصلاً قابل باز پس گیری نیست. دشمن هیچ گاه، پاتکهایش این طور نیست، بلکه در همان جهت حمله است. [...] (۳)

یعنی ما درگیری شدیدی اینجا داریم که اگر زودتر برسیم، مشکلی ایجاد نمی شود. خوبی کار اجرای عملیات در جبهه شمال این است که چون ما الان، به شدت در جنوب، با دشمن درگیریم، تابورش شود که اقدامان در شمال تلاشی جدی است، منطقه را خواهیم گرفت. او تا یکی، دو هفته فکر می کند که اینها فریب است و عملیات اصلی نیست یعنی مانمی خواهیم کاری بکنیم، حتی احتمالاً اعلامیه خواهد داد که ما گول ایرانی ها را نخواهیم خورد. مثل اینکه در والفجر ۹ گفته بود که اینها می خواهند توجه ما را از جنوب (فاو) برگردانند. احتمالاً، اینجا هم همین کار را می کنند. اینجا، فقط به ایثار فرماندهان نیاز داریم آنها باید خود را به پشت این رودخانه (احتمالاً سیویل) برسانند. خوبی کار هم این است که در این منطقه، نه موضعی هست، نه استحکاماتی. یعنی اگر جاده باز شود و چهار، پنج دستگاه تانک بگذاریم که جلوی مسیر را ببندد، به سرعت می توانیم به هدف برسیم و هیچ نیروی عراقی نیز سد راهمان نیست. [...]

اینها (حامیان عراق) دارند او (صدام) را به دو دلیل تقویت می کنند. یکی اینکه می گویند اگر عراق سقوط کند، بعد نوبت کویت است؛ بنابراین، برای منافع

عملیات (کربلای ۸) بفهمیم که دیگر مثل کربلای ۴ صحیح نیست ادامه بدهیم،^(۱) بلافاصله به ذهنمان آمد که الان، تافرصت هست در دو سه جبهه کار بکنیم که یکی اینجا بود و یکی هم سد (در بندرخان) بود. گفتیم این دو تا را کار می کنیم و هر یک آماده شد، هم زمان با آنجا یک جایای مختصر می گیریم. اگر عملیات جنوب موفق شد که پیش می روند و همین جایای مختصر هم کافی است. اگر موفق نشوند که عمده قوای اینها را از جنوب می آوریم و از همین جایای استفاده می کنیم و جلو می رویم، کلاً فرض این بود.

هاشمی رفسنجانی: شما فرض دیگری را نیز در نظر بگیرید، وقتی که نیروهای ما داخل عراق هستند، عراقیها از قلعه دیزه به موازات مرز پایین بیایند و از پایین هم بیایند و محل تردد نیروهای ما به داخل عراق را قطع کنند و نیروهای مادر داخل بمانند.

رضایی: چطور قطع کنند؟ نمی توانند.

هاشمی رفسنجانی: چرا نمی توانند؟

رضایی: یک نیروی عظیم برای این کار لازم است. باید یک لشکر آنجا (قلعه دیزه) و یکی هم اینجا (ماووت) بیاورد و دست کم، تا یک ماه دیگر نمی تواند این جبهه را فعال کند، یعنی جاده و امکانات می خواهد. ضمن اینکه دشمن در شرایطی که ما جلو می رویم، نمی آید به ما در این نقطه پاتک کند. سعی می کند پاتکهایش را در همان نقطه روبه رو انجام دهد که هم ما را سد کند که جلوتر نرویم و هم وادار به عقب نشینی شویم. اصلاً، تا حالا،

(۱) و (۲) نوار شماره ۲۴۷۳۱، ص ۲۸-۲۷.

حالا منظور این است که در ارتباط با ادامه نبرد ما هر چه به این دو مرکز اصلی (کرکوک) در جبهه شمال غرب و بصره در جنوب نزدیک شویم، ناامیدی حامیان صدام بیشتر می شود. الان، حامیان عراق به دلیل نفت بصره و کرکوک به این کشور کمک می کنند. اگر می بینند این دو مرکز تهدید می شود، اطمینان می یابند که وامهایشان بازگشت نخواهد داشت.

به هر حال، اگر ما در کرکوک و بصره بجنگیم، به عراق ضربه اقتصادی و سیاسی وارد کرده ایم و این ضربات زمینه سقوط حاکمیت حزب بعث را فراهم می کند. حتی داخل خود بعث نیز اختلاف می افتد و انشعابات پیدا می شود و در ارتش اختلاف پدید می آید این بدین ترتیب، هدفی استراتژیک است و از پیش هم، بوده است. البته، شاید حالا بعید باشد ما بتوانیم به کرکوک برسیم، اما کافی است به مناطقی برسیم که از آنجا بتوانیم با توپخانه اهدافمان را بزیم.

بنابراین، ادامه حمله ما به سمت شمال و به سمت منطقه کرکوک، منبع اقتصادی عراق است. بیشترین نفت از اینجا و از بصره به سمت کویت، ترکیه عربستان و اردن فرستاده می شود. همچنین، یک خط لوله نفت از اینجا به سمت سوریه و یکی هم به سمت ترکیه می رود. تأسیسات عظیم گاز و نفت بسیار بزرگی به نام دبس در اینجا، کنار رودخانه زاب الصغیر است. تمام منطقه کرکوک پالایشگاه است؛ بنابراین، نزدیک شدن بدین دو هدف از سیاستهای جنگی ما محسوب می شود، ضمن اینکه ما باید بتوانیم در مسیرمان، ارتش عراق را منهدم و بدان ضربه وارد کنیم.

در جایی که ما با او می جنگیم، اگر یک هفته یا یک ماه جلوتر باشیم، او را زیر پایمان له می کنیم. فقط کافی است که از او جلوتر باشیم. اگر یک هفته هم جلوتر باشیم خوب است، اما اگر یک ماه جلوتر باشیم، خیلی خوب است. الان، هنر و جنگ ما با دشمن این است که او می خواهد از ما عقب نیفتد و ما می خواهیم از او جلوتر باشیم. از او جلوتر باشیم یعنی چه؟ یعنی در جایی وارد عمل شویم که برای او اصلاً قابل پیش بینی نباشد. هر جا او بتواند حمله ما را پیش بینی بکند و زمان داشته باشد که معمولاً زمان دارد، راه ما را با استحکامات، سیم خاردار، میدان مین و آتش که به صورت فراوان دارد، سد می کند؛

محسن رضایی:

قصد ما این است که به دو هدف اصلی کرکوک و بصره نزدیک تر شویم، یکی به این دلیل که آنها اهداف ارزشمندی هستند و از طرف دیگر، برای آنکه نشان دهیم که عراق توانایی نگهداری خود را ندارد و در نتیجه نمی تواند سد کننده ما باشد

بنابراین، ما باید همیشه از این نوع جنگ فرار کنیم و به دنبال ابتکاراتی باشیم که بتوانیم از آنها استفاده کنیم و دشمن را عقب بیندازیم. دشمن در صورتی از ما عقب تر است که از نظر آمادگی قبل از عملیات از ما عقب تر باشد و در صورتی از ما جلوتر است که در آن نقطه، زودتر از ما خودش را آماده نبرد کرده باشد. هر کس در یک نقطه خودش را زودتر از دیگری آماده کند، جلوتر است.

ما گاهی، در یک دور تسلسل قرار می گیریم. دور تسلسل یعنی چه؟ یعنی مثلاً ما می خواهیم در منطقه ای عمل کنیم، می گوئیم برویم شناسایی کنیم و می رویم شناسایی می کنیم، به دشمن خبر می رسد و حساس می شود. ما دوباره شناسایی را ادامه می دهیم، او حساس تر می شود و نیروهایش را مستقر و سنگر سازی می کند. ما هم نیرو می آوریم و دوباره با آگاهی رودر روی هم قرار می گیریم. حالا، یا باید عمل کنیم که تلفات می دهیم یا باید عمل نکنیم که زمان را از دست می دهیم. و باید مجدداً، در جای دیگری این مراحل را آغاز کنیم. در این صورت، دشمن دوباره از این زمان استفاده و خود را تقویت می کند.

پس چه باید کرد که دشمن از ما عقب بیفتد و دور تسلسل پیدا نکند؟ این امر دو راه حل وجود دارد یکی اینکه ایثارگری کنیم. برای نمونه، کربلای چهارم به وجود بیاوریم تا کربلای پنجم موفق شود، یعنی با سرعت وارد عمل شویم تا دشمن و سیستم جاسوسی آن نتواند به موقع عمل کند.



سیل بند بزند. اگر دشمن بخواهد، اینجا کار کند، دست کم، به شش، هفت ماه وقت نیاز دارد، یعنی ما در اینجا، از نظر زمین شش ماه از او جلوتریم. به عبارت دیگر، او مجبور است که همین طور نیروهایش را فله ای بدون سنگر روی ارتفاعات بریزد که ما با آتش توپخانه یا خمپاره می توانیم آنها را از اینجا بیرون کنیم، ضمن آنکه در این منطقه تمام عقبه دشمن واقعاً، ناامن است.

از طرف دیگر، ضد انقلاب اینجا به کلی از بین می رود. تمام راه ضدانقلاب به منطقه کردستان از اینجا است، زیرا، مرز باز است، از اینجا به استان کردستان می آید و از شمال قلعه دیزه و شمال سردشت داخل استان آذربایجان غربی می شود که با این عملیات، استان کردستان کاملاً تأمین خواهد شد و ضد انقلاب از اینجا عقب تر خواهد رفت. ما هفتاد هزار نفر حقوق بگیر در کردستان داریم. یکی از دلایلی که به لشکرها نیروی کمی می دهیم این است که هم در فاو و هم در شلمچه خط پدافندی داریم و هم اینکه در کردستان تعهد [...].

۳۹ هزار مشمول در کردستان هست؛ نیروی بسیار عظیمی که در صورت وارد شدن ضربه های اساسی به ضدانقلاب و عقب نشینی آن یگانها را شروع به آزاد کردن می کنیم.

الان، تمام افراد ضدانقلاب با ورود بچه های رمضان به داخل، احساس ناامنی می کنند و به همین دلیل دیگر ضربات آنها خیلی کم شده است. البته، تزلزل رژیم صدام هم هست که تزلزلش باعث شده اینها فکر کنند که اگر بیشتر از این سابقه خودشان را با جمهوری اسلامی بد کنند، دیگر در آینده، اصلاً، نمی توانند برگردند؛ بنابراین، الان وقفه ای اساسی در فعالیت گروههای ضدانقلاب پدیدار شده است که تمامی اینها مؤثر است. با انجام این عملیات تأمین کردستان افزایش می یابد و می توانیم نیروها را آزاد کنیم و ادامه دهیم. بدین ترتیب، اینها جزء مقاصد سیاسی، اقتصادی و نظامی منطقه محسوب می شوند.

باتوان کنونی تلاش اصلی در محور ماووت و تلاش پشتیبانی در محور بسن انجام می شود. این تلاش پشتیبانی دو هدف دارد. یکی اینکه ما کلاً خودمان را به دشمن بچسبانیم و عقبه مان را نزدیک کنیم؛ زیرا، اینجا، فاصله ما با دشمن خیلی زیاد است. وقتی می خواستیم از

محسن رضایی:

الان، هنر جنگ ما با دشمن این است که او می خواهد از ما عقب نیفتد و ما می خواهیم از او جلوتر باشیم. از او جلوتر باشیم یعنی چه؟ یعنی در جایی وارد عمل شویم که برای او اصلاً، قابل پیش بینی نباشد

دیگر اینکه از ابتکارات استفاده کنیم، یعنی از جایی وارد شویم که دشمن از قبل، کاملاً، برای این منطقه یا برای ماووت در آن آماده نباشد.

منطقه ای که می خواهیم بدان وارد بشویم، ماووت است. غرب ماووت ارتفاعاتی هست که جنوب رودخانه زاب الصغیر است، ارتفاعات غرب منطقه و جاده موجود در آن هم دست نیروهای خودمان و طالبانیه است و اینجا، اصلاً مواضع و استحکامات و سنگر نیست. انشاء الله جهت حمله ما که این باشد، از اینجا تا یکی، دو ماه دیگر هیچ حمله ای تصور نمی شود [...].

در حال حاضر، نیروهای قرارگاه رمضان در شمال غرب ماووت کاملاً آماده هستند. ما دو لشکر را می توانیم اینجا بیاوریم و چنانچه مثلاً به سورقلات و ارتفاع و رأس رسیدیم می توانیم روی این ارتفاعات بیاییم تا کاملاً بر دشت سلیمانیه مسلط باشیم. هنگامی که دشمن از کرکوک به پنجوین می آید و می بیند از این بالا تهدید شده است، کل جبهه پنجوین و تمام عقبه اش سقوط می کند. عقبه سپاه هم در کرکوک است که در فرصت مناسبی بر روی آن کار می کنیم. اگر کلاً این زمین به دست ما برسد، می بینید که فاصله تا خود کرکوک فاصله خیلی کمی است، یعنی بعید به نظر می رسد از شصت، هفتاد کیلومتر بیشتر باشد.

اینجاها هم که همه اش ارتفاعاتی است که دشمن هیچ کاری در آنجا انجام نداده است، یعنی اگر بخواهد بیاید اینجا کار کند، مثل جنوب نیست که سریع یک

محسن رضایی:

پس چه باید کرد که دشمن از ما عقب بیفتد و دور تسلسل پیدا نکند؟ این امر دور راه حل وجود دارد یکی اینکه ایثارگری کنیم. برای نمونه، کربلای چهارم به وجود بیاوریم تا کربلای پنج موفق شود، یعنی با سرعت وارد عمل شویم تا دشمن و سیستم جاسوسی آن نتواند به موقع عمل کند. دیگر اینکه از ابتکارات استفاده کنیم، یعنی از جایی وارد شویم که دشمن از قبل، کاملاً، برای این منطقه یا برای مانور در آن آماده نباشد

در اینجا، دشمن به اندازه کافی می تواند توپخانه، احتیاط، تانک و همه چیز آماده کند؛ بنابراین، باید از این دشت پرهیز کنیم. منطقه ورود ما دو عقبه دارد. یکی سردشت و بانه و دیگری هم مریوان و هزار قله است. ما می خواهیم یک جبهه به این سمت و یک جبهه به سمت دیگر باز کنیم، اما به دلیل کمبود نیرو، یکی از اینها فقط عملیات پوششی برای فریب دشمن است.

الان همه جهت توجه دشمن به این سمت است؛ زیرا، یک رودخانه بسیار وحشی و بزرگی هست که حتی از تیپ ۳۵ امام حسن (ع) غواص با طناب داخل آب فرستادیم که در اینجا بالا بیاید، آب آن را برد. از آنجا که در این منطقه هم اصلاً خط نداشتیم، جای خیلی مناسبی است. البته، در محور گامو، از صبح شروع به زدن پل کرده اند. الان، دارند با لوله می زنند و پایین دره را هم دشمن نمی بیند. بچه ها دارند پل را نصب می کنند که ماشین به راحتی از روی آن عبور کند. [...] یعنی اگر ما این را از این طرف بگیریم، دشمن دیگر برای پاتک از طرف محور دولبشک... جاده ندارد. یعنی بچه های تیپ شهدا اینجا آمدند. همزمان، تیپ ویژه پاسداران با یک گردان به مقر لشکر ۳۴ عراق حمله می کند. تیپ ۷۵ ظفر با دو گروهان به این پل می آید که به سمت چوارتا می آید و اینجا هم مثل اینکه تأسیسات نفتی هست حمله می کند. ارتفاعات گوجار و الاغلو را در مرحله نخست و ارتفاعات قمیش و دولبشک را در مرحله دوم می گیرند، این هم ارتفاعاتی است (ارتفاعات گلو، سرگلو، میرآوه، ژازیل، برده هوش، قشن...) که آنها را با نیروی موجود

اینجا حمله بکنیم، هفت، هشت روز بعد می توانستیم با خودرو به نیروهایی تدارکات برسانیم و چون جاده کشتی در این منطقه همیشه یک زمان طولانی ای نیاز داشته، هیچ وقت نمی توانستیم عملیات بکنیم. ما از این عملیات استفاده می کنیم تا خط این جبهه (محور هزار قله - بسن) و جاده ها را جلو بکشیم [...].

هاشمی رفسنجانی: شما اصلاً اینجا (محور بسن) را رها کنید، حالا چیزی که مرا توجیه نمی کند این است. قبلاً هم قرار این نبوده است، این (محور بسن) هدف جدیدتان است. عراقیها که نمی خواهند این طرف بیایند. در حال حاضر، شما غیر از اینکه بخواهید اینها را مشغول کنید، هدف دیگری ندارید.

رضایی: ما توپخانه ها و آتشهایمان را جلو می کشیم.

هاشمی رفسنجانی: برای آنجا؟

رضایی: بله، مشکلی که الان آنجا داریم، این است که توپخانه ما در فاصله دورتری مستقر است و از گردنه شیلر مشکل است که بتوانیم آنها را این طرف بیاوریم.

هاشمی: اینها توپخانه شما را خاموش می کنند.

رضایی: نه، در آن منطقه آن قدر شیار وجود دارد که نمی توانند. در منطقه شمال شرق سلیمانیه دشتی هست که باید از این دشت پرهیز کنیم؛ زیرا، یک جاده از این طرف و یکی هم از این طرف به داخل این دشت می آید. اگر ما از روبرو این جاده بیاییم، مثل عملیات والفجر ۹ که آمدیم، اگر دشمن خیلی سریع ما را عقب بزند، حتی اگر تا نزدیکی سلیمانیه هم، آمده باشیم، از ما جناح می گیرد. این جاده محور اصلی پاتکهای دشمن است.

قربانی: اینجا، جنگ، جنگ روز است. شب بخوابیم و روز بجنگیم.

قالیباغ: ما اینجا مشکل زمان نداریم. هم در روز و هم در شب می توان رفت.

قربانی: از محور بانه که جاده ندارد و دشمن حساس نمی شود، بهتر می توانیم برویم. محور سردشت خوب است، اما تنگه آن مشکلات دارد و زود هم لومی رود.

رضایی: الان، قرارگاه... آنجاست و آقای محتاج (فرمانده قرارگاه نجف) ترتیب دهنده این عملیات، آماده است. زاهدی (فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع)) پیش او رفته است. ما باید توان بگذاریم و به سرعت به منطقه بیاییم، برای اینکه این زمین اصلاً، مسلح نشده است و دشمن به هیچ وجه، به حمله از این منطقه فکر نمی کند [...].

قربانی: راه تدارکاتی محور تپه های چنگاوی کجاست؟
رضایی: سردشت است.

قربانی: این منطقه را نمی توان حفظ کرد، پاتک خور است.

رضایی: نه اصلاً، نیروی زیادی نمی آوریم. دشمن هم به این زودی فکر نمی کند ما یک مرتبه بخوابیم اینجا تلاش جدیدی نکنیم. دیشب، احمد کاظمی (فرمانده لشکر ۸ نجف) در منطقه شلمچه در جنوب حمله کرد و تا جاده آسفالت رفت. طبق اخباری که همین بعد از ظهر گرفتیم، فشار بسیار زیادی روی لشکر ۳۱ عاشورا است. لشکر ۳۱ جلوی لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) و چپ

(تیپ ۵۷ و ۴۸ فتح و قائم و ۳۵ امام حسن (ع)) و دیگر تیپ ویژه شهدا) می گیریم. این دو جای پا را که بگیریم، لشکرهای بعدی باید بیایند با استفاده از آنها، از اینجا، به سمت اهداف پیشروی کنند.

رضایی: اکنون، دو نکته مطرح است؛ یکی اینکه کجا عقبه را بنید. و دیگر آنکه نیروهایتان را ببرید و در منطقه توجیه کنید تا پیش از آغاز عملیات توجیه شوند، و منطقه را ببینند تا هنگام عملیات و بمباران مشکلی نباشد. دشمن هم تنها کاری که کرده، این است که چهار، پنج دستگاه تانک به منطقه اضافه کرده و پنج، شش دستگاه از توپهای اینجا را برده است. برای بستن راه نیروهای قرارگاه رمضان هم تعداد جاشها (مزدوران کرد عراقی) را زیادتر کرده است. در یک ماه گذشته، جدا از این موارد تغییر دیگری نداشته است.

قربانی: الان، عقبه برادران کجاست؟

رضایی: عده ای سردشت، عده ای بانه و عده ای هم مریوان هستند. البته، اکثر آ دارند در اطراف بانه جمع می شوند [...].

رضایی: در حال حاضر، یکی از امتیازات ما شبهای مهتابی است، یعنی به خوبی می شود در شبها و ارتفاعات در شب پیشروی کرد. با توجه به اینکه دشمن در این منطقه حضور ندارد، الان، برای ما شب مهتابی خیلی بهتر از شب تاریک است. در روز هم می توان به ارتفاعات حمله کرد و آنها را گرفت. اینجا، روز خیلی بهتر از شب می توان عملیات انجام داد.



لشکر حضرت رسول (ص) رفته است و بچه‌ها می‌گویند همانند واقعه قبلی آتش بسیار سنگینی در منطقه مبادله می‌شود، یعنی باز هم درگیری در همان قسمت پل است.

حاج محمدی: آن فشار را هم می‌توان ادامه داد. هم زمان با این عملیات می‌شود فشار روی آنجا هم حذف نشود. **رضایی:** بله، ما اینجا با قاطعیت می‌گوییم که به دلیل وضعیت زمین درگیری در بصره، دشمن به این زودی اینجا نمی‌آید، یعنی دیر می‌آید، ضمن اینکه زمین هم آماده نیست و ما شش ماه از دشمن جلوتریم. اگر هم همزمان با ما بیاید، در این زمین از ما عقب‌تر است، زیرا آنجا (جنوب) درگیر است و باورش هم نمی‌شود که ما می‌خواهیم تلاشی جدی بکنیم، دیر می‌آید. این دو عامل کمک می‌کند البته، مهم بهره‌برداری است.

قالیاف: اگر طوری بشود که نیروهای اعزام صاحب‌الزمان (عج) برسند، خیلی خوب است. **رضایی:** نزدیک هشت ماه است که ما در ارتباط با اینجا کاری کنیم. مثل عملیات خیبر که آنجا هم برای مدتی طولانی کار کردیم، اما نتوانستیم خوب استفاده بکنیم. فرق اینجا با عملیات خیبر این است که در خیبر، تمامی نیروها را پخش کردیم و امکانات اولیه‌ی ترابری ما بسیار ضعیف بود. اینجا، جاده‌ها به خطوط جلو وصل می‌شود و تمرکز نیرو نیز داریم. یعنی تمامی نیروها در ده کیلومتری با جاده جلو می‌آیند [...] آقای محتاج مرتب فشار می‌آورد و می‌گوید نیروهای واحد مهندسی درخواست می‌کنند که ما دست کم، یک روز اضافه‌تر بدهیم، اما ما قولی به او نداده‌ایم و امروز هم به او گفتیم باید طبق همان قرار قبلی عمل شود.

هاشمی: حالا اگر او اصرار دارد قاعدتاً، او می‌برد. **رضایی:** آخر می‌ترسیم، یعنی دیگر الان، خیلی دیر شده است.

هاشمی: بله، احتمال اینکه لو برود، وجود دارد [...]، خوب، چطوری زمان بندی کرده‌اید؟ **رضایی:** همان طور که به (قرارگاه) رمضان هم گفتیم، انشاءالله، بیست و چهارم (۱۳۶۶/۱۲۴) شب بیست و پنجم باید به دشمن بزنند.

هاشمی: یعنی مثلاً فردا اینجا بروند یا پس فردا؟ **رضایی:** پس فردا باید اینجا بروند و یک روز بعدش هم

باید انشاءالله به خط بزنند البته، آقای محتاج یک روز بیشتر وقت می‌خواست که ما هنوز موافقت نکرده‌ایم.

هاشمی: اینجا مهتاب به نفع شماست یا نه؟ **رضایی:** خیلی صحبت کردیم. اکثراً، می‌گویند به نفع ماست که حرکات مادر دره‌ها و شیارها در شب با چشم باز باشد، اما با وجود پایگاههای دشمن، نزدیک شدن به آن، مقداری وضعیت را خطرناک می‌کند. **هاشمی:** اگر طالبانها با شما همکاری صمیمانه بکنند، مسئله مهمی است. اینها باید نیروهای شما را هدایت و همراهی کنند.

رضایی: الان، تیپ ۵۷ ابوالفضل (ع) به تنهایی رفته است. آنها بهتر از طالبانها این شیارها را رفتند، اما در عمق، تمام مسیر را با طالبانها می‌رویم.

هاشمی: قرارگاه نجف، بدر، حمزه از طرف مرز به دشمن می‌زنند و قرارگاه رمضان هم همان شب از داخل عراق به دشمن می‌زنند؟

رضایی: بله، مرحله نخست هم زمان است. اگر در منطقه تا سه روز خبری نباشد، ما همین یکی، دو پایگاه را هم نمی‌زنیم. مگر اینکه مثلاً، تا یک روز پیش از عملیات، دشمن اینجا نیرو بگذارد که در نتیجه، مجبور می‌شویم درگیری را از اینجا آغاز کنیم، اما در حال حاضر، هدف ما این است که اصلاً، خود را در منطقه، ظاهر نکنیم و با غافل‌گیری به این ارتفاعات هجوم ببریم.

هاشمی: [...] شما اگر چنین دروازه‌ای (از شرق بسن تا ماووت) باز کنید، دیگر داخل کردستان عراق میدان ماست. وقتی طالبانها دیگر حسابی با ما مرتبط و هماهنگ شدند، آن وقت ما می‌توانیم این کارها را انجام دهیم.

رضایی: اصلاً، آنها می‌گویند اگر شما اینجا بیاید ما دیگر نمی‌گذاریم اینها (منافقین) از منطقه قره داغ استفاده کنند، زیرا تا حالا، چند بار به آنها فشار آورده‌ایم. و آنها به ما قول داده‌اند اگر به اینجا نزدیک شدیم و منافقان خواستند به قره داغ یا آنجایی که جای اصلی خود ماست، بیایند اصلاً، نگذارند به منطقه وارد شوند.

هاشمی: قاعدتاً، مسئله ما با طالبانی‌ها همین طور می‌شود، اینجا که رفتیم، دیگر ما باید به اینها غذا بدهیم، باید در بسیاری از جاها تدارکاتشان را تأمین کنیم. بدین ترتیب، حسابی به ما وابسته می‌شوند و تمامی عقبه‌هایشان را اینجا خواهند گذاشت.